

جشن چهارشنبه سوری و تجمعات اعتراضی در شهرهای کردستان

- * محلات شهرها در کنترل مردم.
 - * مقررات اسلامی رژیم آشکارا زیر پا گذاشته شدند.
 - * دختر و پسر و زن و مرد در فضای آزاد شده از سلطه نیروهای رژیم، دست در دست هم به شادی و تجمع و جشن و هلله پرداختند.
 - * مردم علی‌رغم آماده باش و مانورهای نظامی رژیم مراسم خود را با قدرت اجرا کردند.
- صفحه ۲



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

مبارزات انقلابی مردم و رویای ناسیونالیسم کرد!

عبدالله شریفی
صفحه ۲

در چهارشنبه سوری مردم با کنترل محلات و خیابانهای کشور، رژیم اسلامی و قدرت آنرا به مصاف طلبیدند!

صفحه ۲



به بهانه اعتصاب معلمان مریوان

عبدالله کهنه پوشی (عبه شیخ عزیز)
صفحه ۴

در حسرت اعاده سلطنت

رئوف افسائی
صفحه ۶

اخراج ۲۶ هزار پناهنده از هلند

محکوم است
صفحه ۵

دوره تعیین تکلیف جدال قدرت



سخنرانی افتتاحیه رحمان حسین زاده در نشست چهارم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب

صفحه ۳

ایسکرا

iraj_farzad@yahoo.com

سردبیر: ایرج فرزاد

فاکس: 00448701687574

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

چهارشنبه‌ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر- ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت: www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال: سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جشن چهارشنبه سوری و تجمعات اعتراضی در شهرهای کردستان

* محلات شهرها در کنترل مردم
* مقررات اسلامی رژیم آشکارا زیر پا گذاشته شدند

* دختر و پسر و زن و مرد در فضای آزاد شده از سلطه نیروهای رژیم دست در دست هم به شادی و تجمع و جشن و هلله پرداختند.

* مردم علیرغم آماده باش و مانورهای نظامی رژیم، مراسم خود را با قدرت اجرا کردند.

طبق اطلاعیه های شماره ۲۲ و ۲۳ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران شب چهارشنبه سوری در شهرهای مختلف کردستان از جمله سنندج، سقز، مریوان، بوکان، کامیاران، سردشت و دیواندره مراسم بزرگی به مناسبت چهارشنبه سوری برگزار شد. نقطه مشترک در تمام این مراسم، تقابل مردم با نیروهای انتظامی و سرکوبگر رژیم و سرپیچی مردم از مقررات و دستورات آنها بوده است.

در سنندج مقامات انتظامی رژیم دو مکان را برای برپائی مراسم چهارشنبه سوری تعیین میکنند که مردم دقیقاً مراسم را هر جا و هر طور که خود خواسته اند، پیش برده اند. در سقز تجمع در میدان عقاب را ممنوع اعلام کردند، اما مردم و جوانان اساساً در آن میدان

مراسم جشن و سرور و شادی و آتش بازی را برپا کردند. در مریوان علیرغم مانور نیروهای مسلح و نمایش قدرت تفنگ و رژه و گشت در شهر، وسیعاً به خیابانها ریختند و نیروهای رژیم را منکوب و هاج و واج کردند. در بسیاری از محلات شهرها با پیداشدن سروکه خودروهایی گشتی رژیم، مردم با پرتاب سنگ آنان را فراری داده اند.

در بسیاری از محلات شهرها زن و مرد و دختر و پسر دست در دست هم با زیر پا گذاشتن مقررات اسلامی به رقص و شادی پرداختند. در کامیاران بعلاوه، در فضائی شاد با نواختن ارگ و موزیک زنده به جشن و شادی دست زدند. در بوکان

در چهارشنبه سوری مردم با کنترل محلات و خیابانهای کشور، رژیم اسلامی و قدرت آنرا به مصاف طلبیدند!

همانطور که انتظار میرفت مراسم چهارشنبه سوری امسال در فضای ملتهب کشور، با کشاندن میلیونها نفر به خیابانها به نمایشی از قدرتمندی مردم در مقابل رژیم درمانده جمهوری اسلامی تبدیل شد. گزارشات رسیده از شهرهای مختلف به حزب کمونیست کارگری ایران حاکی است که در محلات و خیابانها و در مراکز اصلی شهرها، مردم از بزرگ و کوچک و بخصوص جوانان بدون آنکه بیسی از حضور نیروهای رژیم از خود نشان دهند، قوانین و ارزشهای پوسیده رژیم را زیر پا گذاشتند، زنان و دختران روسریهای تحمیلی را بدور انداختند، دختر و پسر با یکدیگر رقصیدند و مامورین انتظامی را فراری دادند.

گزارشات از شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، اهواز، آبادان، سنندج، شاهین شهر، ارومیه، خرمشهر، قزوین، لاهیجان و .. حاکی از آن است که مراسم چهارشنبه سوری به اجتماعات عظیم مردم علیه قوانین کثیف تحمیلی، علیه آپارتاید جنسی و سایر قوانین اسلامی و در برخی شهرها به شعار دادن علیه رژیم و سران حکومت تبدیل شد. مراسم های شادی مردم عملاً تبدیل به اجتماعات سیاسی علیه حکومت اسلامی شد، محلات و خیابانها عملاً در کنترل مردم بود و نیروهای انتظامی جرات دخالت پیدا نکردند. در تهران در فلکه هفت حوض نارمک هزاران نفر جمع آمده بودند تا ناتوانی نیروهای رژیم را به نمایش بگذارند. مردم بارها و بارها به دنبال نیروهای انتظامی رژیم افتادند و آنها را فراری دادند بطوریکه مامورین به کلاترئی نارمک پناه بردند. در میان هلله و شادی مردم، شعارهایی بر علیه

رژیم شنیده می شد. دختران روسریهای خود را بدور می انداختند که این با استقبال جمعیت انبوه روبرو می شد. دختر و پسر با یکدیگر می رقصیدند و این شادی و خوشحالی را به پیش درآمدی بر جشن بزرگ رفتن جمهوری اسلامی تبدیل کردند. و در خیابان امیرآباد تهران، اجتماع دانشجویان همراه با سایر مردم به شعارهای تند علیه رژیم تبدیل شد. و این نمونه ای بود از آنچه در سراسر کشور اتفاق افتاد.

مراسم چهارشنبه سوری امسال با جلوه هایی که از اعتماد به نفس و قدرت مردم به نمایش گذاشت، تمرینی بود به اینکه چگونه میتوان یک رژیم وحشی را در پایتخت و صدها شهر بزرگ و کوچک دیگر به مصاف طلبید و در این آزمایش موفق و سربلند بیرون آمد. چهارشنبه سوری، اراده مردم را برای بزرگ کشیدن این رژیم کثیف استوارتر کرد. حزب کمونیست کارگری به همه مردم و بخصوص جوانان دختر و پسر که این صحنه های پرشور شادی و اعتراض را آفریدند درود می فرستد. سال ۸۳ با عزم و اراده جوانان، کارگران، زنان، معلمان و همه مردم آزادیخواه میتواند به آخرین سال حیات جمهوری اسلامی و دستیابی مردم به آزادی، رفاه و برابری تبدیل شود.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ اسفندماه ۱۳۸۲
۱۶ مارس ۲۰۰۴

مبارزات انقلابی مردم و رویای ناسیونالیسم کرد!

پیرامون اعتراضات
اخیر در برخی از
شهرهای کردستان



عبدالله شریفی

اخیر به خیابان آمدن مردم مریوان و بوکان و مهپاد و چند شهر دیگر در کردستان در روزهای هشت و نه مارس دوشنبه و سه شنبه گذشته این هفته، با روایات و تفاسیر گوناگون و جهت دار جریانات سیاسی مواجه شد. ظاهراً بهانه تصویب "قانون" موقت اسلامی - قومی - آمریکایی، عراق بود. ناسیونالیستهای کرد و در راس آن حزب دمکرات کردستان ایران، همصدا با بخشی از طیف متحذین "سراسری" خود، از قبیل اکثریت و راه کارگر، این حرکت را شادی و پایکوبی مردم، در دفاع از "خودمختاری در کردستان عراق" قلمداد کردند.

سوال این است که واقعیت چیست؟ چه اتفاق غریبی در عراق برای "کردها" روی داده است که حزب دمکرات و همقطاران "سراسری" ترشان ذوق زده شده اند، اطلاعیه جمعی میدهند؟ پشت این هلله و جنجال چه اهداف و رویاهایی جا خوش کرده است؟

حقیقت این است، که در روند سناریوی سیاه جاری در عراق، در میان چنگ و دندان خونین احزاب و جریانات قومی و مذهبی، در متن رقابتهای و تخاصمات جاری، بر بستر بی افقی و شکست پروژه آمریکا و انگلیس برای عراق، بعد از دو ماه آمد و رفت، ترور و کشتار، سندی موسوم به قانون اساسی موقت دوره انتقال را بدست خیمه شب بازی مجلس موقت حکم به تصویب رساندند. سندی که نیاز به بررسی کارشناسانه و

دوره تعیین تکلیف جدال قدرت سخنرانی افتتاحیه رحمان حسین زاده در نشست چهارم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب

به نشست چهارم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری خوش آمدید. متاسفم از اینکه تعداد زیادی از کادرهای حزب در شهرها به دلایل امنیتی و محدودیتهای تحمیلی حاکمیت جمهوری اسلامی نتوانستند، در جمع ما حضور داشته باشند. امیدوارم به زودی نشست پنجم را با حضور همه این عزیزان برگزار کنیم. اینجا نوشته‌ایم "نشست سالانه شورای کادرها"، اما واقعیت اینست

میدانیم هر روز تناسب قوا به نفع مبارزه‌جویی مردم تغییر میکند. گفتیم باید این دوره را تشخیص داد و نیاز "زمانه" را به موقع جوابگو بود. گفتیم هفته‌ها و ماههای آینده میتواند، به مقاطع تعیین تکلیفهای اساسی جدال قدرت تبدیل شود. نتیجه گرفتیم برگزاری زودتر از موعد نشست وسیع شورا را در دستور بگذاریم، تا این طیف وسیع رهبران و شخصیتها و کادرهای کمونیست با همدلی و انسجام به استقبال اوضاع جدید برویم. تازه سه ماه قبل، کنگره چهارم حزب را برگزار کردیم، در آنجا مسائل اساسی پیشرویمان جواب گرفتند، در غیر اینصورت میبایست این نشست را زودتر از این مقطع هم برگزار میکردیم. اکنون که در این نشست اوضاع مشخص در کردستان و وظایف

حزب در کردستان را استنتاج میکنیم، می‌خواهم باردیگر بر این نگرش همیشگی‌مان تاکید کنم، که از نظر ما تحولات جامعه کردستان بخش‌انگیز و لاینفک تحولات سراسری جامعه ایران است. و تشکیلات کردستان هم بخشی از یک حزب قدرتمند سراسری است که نقشه سراسری حزب بر پلانفرم آن حاکم است. این موضوع، نقطه قدرت جنبش و حزب ماست. با فرض گرفتن این موضوعات به سراغ وضعیت متفاوت مبارزاتی در کردستان میرویم. آن وضعیت متفاوت چیست؟ این سؤال را اگر از یک ناسیونالیست کرد، پرسیم فوراً جنبش ملی و سابقه آن را به میان میکشد. اگر از ما پرسند و از من پرسند، این حقیقت را تاکید میکنیم، که مهمترین فاکتور اوضاع متفاوت در جامعه کردستان

حضور قدرتمند جنبش آزادی و برابری، حضور کمونیسم کارگری قدرتمند و نقش موثر حزب کمونیست کارگری است. بعضی وقتها علاوه بر این فاکتور می‌گفتیم، تناسب قوای مساعد و متفاوت هم عمل میکند، البته که درست است، اما اگر نیروی چپ قدرتمند و اجتماعی و کمونیسم کارگری قدرتمندی در صحنه سیاست کردستان نبود، تناسب قوای متفاوت به نفع مردم وجود نداشت. آنچه میباید ارتجاع و ناسیونالیسم میباید، برای مثال شبیه وضعیت فعلی در کردستان ترکیه.

در نتیجه صورت مسئله اینست جنبش و حزبی که میتواند کارهای متفاوتی بکند. جنبش و حزبی که یک سر آن در اینجا و یکسر



مبارزات انقلابی مردم و رویای ناسیونالیسم کرد!

تجزیه و تحلیل عمیق ندارد تا به پوچی آن پی برد. بلکه با یک نگاه ساده میشود ماهیت ارتجاعی و ضدمدنی آنرا دریافت. بی‌مناسبت نیست کمی از نزدیک این شاهکار را از نظر بگذرانیم تا گوشه‌ای از ذهنیت عقب مانده و عشایری و بی‌مایگی کل جبهه به "شعف" آمده ناسیونالیسم کرد را نشان دهیم. ماده ۷ از فصل اول: "اسلام دین رسمی و منبعی برای قانونگذاری است...." و بند (ب) همانجا "عراق کشوری دارای قوم‌ها و طوایف و یک ملت عرب است که بخش تفکیک ناپذیر امت عرب است..." کمی پایین تر که قرار است رقص و پایکوبی و دهول و زرنای جریانات ناسیونال عشایر کرد را موجه کند، مربوط به مساله کردستان عراق است که چنین میگوید: ماده نهم همان فصل "دو زبان عربی و کردی زبان رسمی میباشند... آن بخش "طلایی" که اکثریت و راه کارگر را از خود بیخود کرده و همراه یاران کردستانیشان، حزب دمکرات و شرکا به صف میشوند و رساله و اطلاعیه صادر میکنند، این است: ماده ۵۳ از فصل هشتم "حکومت ایالت کردستان به عنوان حکومت رسمی مناطقی که پیش از ۱۹ مارس ۲۰۰۳... اطلاق میشود.... عبارت

هر آخوندی‌هایی خود را تفسیر میکردند، مردم را به مضحکه انتخابات شورای شهر و مجلس رئیس جمهور اسلامی تشویق میکردند، با گسترش مبارزات انقلابی مردم ایران بازارشان کساد شده است. دارند دکان جدیدی باز میکنند. دارند به شکل جدیدی خاک به چشم مردم می‌پاشند. در عراق هیچ چیز تازه روی نداده است. جز تداوم همان مصائب و خونریزی، آمریکا بر استراتژی خود متکی است، کسی قول تازه ای نداده است. اینها خرافه ناسیونالیستی، قوم پرستی اشاعه میدهند به امید اینکه خود به نوایی برسند. امیدوارند با سناریوی مشابه عراق، در ایران خورشید اقبالشان طلوع کند. اما تاریخ جامعه ایران، تاریخ مردم ایران و کردستان ایران، تاریخ تجربه انقلاب بزرگی است که با تجربه تلخ شکست و سرکوب خونینی نوشته شده است. مردم یکبار به خرافات مذهبی، به دستگاه کشتار اسلامی، باخته اند. قرار نیست این بار با تکیه بر خرافه قومی و ملی با علقه های میهنی و قوم پرستی امکان شکست دیگری را با دستان خود فراهم کنند. ما بارها گفته ایم احزاب ناسیونالیست کرد عقب مانده هستند. امروزی نیستند، نمایندگی کوچکترین خواست مردم ستمدیده جامعه کردستان را در چنته ندارند. این جریانات با نغمه هر پاسدار دم مرز و سرهنگ بازنشسته ای

می رقصند. برای سهیم شدن در حاکمیت و سوار شدن بر گرده مردم به هر تحقیری تن میدهند. از بغداد تا تهران و لندن به پا بوسی میروند. اینها ربطی به مصالح و سرنوشت مردم کردستان ندارند. حتی به فکر حل مسله کرد نیستند. دارند آرزوی تکرار سناریوی عراق در ایران را انتظار میکشند. مستمقل از اصرار جبهه ناسیونالیستی که از محسن رضایی خط میگردند و مبارزات مردم کردستان را آن را شادی و پایکوبی کردهای سلحشور برای خودمختاری به خورد مردم میدهند، واقعیت این است که حرکات مردم کردستان، تداوم مبارزات جاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی میباشد. این گونه تحرکات در متن خصوصیت این دوره مبارزات مردم برای رهایی از شر حکومت اسلامی معنی پیدا میکند. خیزشهای شهری، اعتراضات روزمره مردم ایران، اعتصابات و مبارزات پی در پی، از شاخصهای برزیر کشیدن نظام اسلامی است. اعتراضات مردم فریدونکنار به بهانه رد صلاحیت فلان کاندید شروع میشود و به اوج میرسد. خیزش مردم دماوند با بهانه تعطیلی فلان بیمارستان شروع میشود. به خیابان آمدن هزاران نفر دیگر فردا به بهانه چهارشنبه سوری و نوروز آغاز خواهد شد. اعتصابات و اعتراضات کارگران، اعتصابات معلمان و دانش

آموزان، مبارزات محلات، هشت مارس، و مبارزات جنبش رهایی زنان، و دهها نمونه دیگر، حقایق جنبش انقلابی در جامعه ایران برای ساقط کردن رژیم اسلامی و رسیدن به آزادی و رفاه میباشد. روند مبارزات انقلابی مردم، با قدرت دارد پیش میرود. جامعه کردستان متأثر از نفوذ اجتماعی و محبوبیت کمونیسم کارگری است. رهبران اعتراضات مردم باید هوشیارانه جریانات ناسیونالیست و کمتر اسلامی و ناسیونالیستهای طرفدار سناریوی سیاه را در میان مردم منزوی کنند. باید رویای ناسونالیست ها را با پیشروی مردم برای رهایی و آزادی، با گسترش مبارزات سراسری و متحد با شعارهای رادیکال، با دخالت وسیع مردم در شکل دادن به آینده سیاسی جامعه، نقش بر آب کرد. مردم آزادیخواه و حزب کمونیست کارگری، هوشیارانه رویای عراقیزه کردن و هر گونه تحول از بالا و دست بدست شدن قدرت را خنثی خواهند کرد. حزب کمونیست کارگری مصممانه مانع جدی تحقق سناریوی قوم پرستان و ملت پرستان است که در باد تحول از بالا خوابیده اند و قصد دارند مبارزات مردم را به وزنه پیش بردن سیاستهای خود تبدیل کنند. تحولات بعدی و شکل گیری انقلاب انسانی و رادیکال مردم با رهبری این حزب میتواند رهایی و آزادی واقعی را تضمین کند.

۱۵ مارس ۲۰۰۴

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

به بهانه اعتصاب معلمان مریوان و پیوستن آنها به اعتصاب سراسری معلمان ایران

یاد و خاطره ایستادگی محصلین

دبیرستان فرخی مریوان در دفاع

از دبیران خود: فاتح شیخ الاسلامی

و احمد مجلسی در مقابل ساواک در سال ۱۳۵۱

چون سرباز برخورد می کرد و می خواست هر روز ما را به شکلی تحت انضباط خود در بیاورد، روزی از ما میخواست صبحگاه اجرا کنیم و سرود شاهنشاهی بخوانیم و روزی می خواست سرمان را بشکل نازیهای آلمانی بزینیم. حتی ساواک برای کنترل بیشتر، مرتجعین محلی و دیگر عوامل خود را برای دخالت در امور دبیرستان تشویق می کرد. برای مقابله با این توطئه ها فاتح و مجلسی مبارز و انقلابی بر محصلین بودند که در نتیجه توانستیم جو را عوض نموده و به عکس خود تبدیل نماییم طوری که اینبار رئیس دبیرستان و دبیران و محصلین وابسته به ساواک بودند که زیر فشار و ضرب هر روزه ما قرار داشتند به شکلی که گاهی رئیس دبیرستان و عواملش براحته نمی توانستند در کلاسها و حیاط دبیرستان ظاهر شوند. دیگر از صبحگاه و ادا و اتوارهای رئیس خبری نبود. در همان ایام روزی از ما خواستند در رژه مراسم ۲۱ آذر شرکت کنیم، ما جمعی از محصلین تصمیم به مخالفت گرفتیم، برما فشار آوردند که شرکت کنیم، دقیقاً بیاد دارم وقتی پلاکاردها را که حاوی شعار و عکس شاه و... بود پخش می کردند، پلاکاردی به دست مجید حسینی دادند، او قبول نکرد و رئیس دبیرستان دخالت نمود و پلاکاردها را بازور و قلدری به دست مجید داد مجید هم خیلی شجاعانه پلاکاردها را پرت کرد و کارش به ساواک کشیده شد. در ادامه این وضعیت ساواک متوجه حساسیت اوضاع شده بود. برای مقابله با این وضعیت و کنترل اوضاع حکم زندانی و محرومیت اجتماعی برای فاتح و حکم تبعید برای مجلسی به میناب بندر عباس را صادر نمودند. ما کلیه محصلین در مقابل این حکم بسیج شدیم، و به حمایت از دبیرانمان بر خواستیم، طوماری اعتراضی با امضای محصلین برای مدیر کل استان در سنندج



عبدالله کهنه پوشی

(عبه شیخ عزیز)

شهر مریوان در سالهای قبل از قیام شهر کوچکی بود و جمعیت آن یک چهارم جمعیت کنونی و مدت زیادی نبود که دبیرستان تا سطح دبیرم در این شهر دایر شده بود. در سطح شهر اولین کسی که در آن دوره تحصیلات عالی را به پایان رسانده بود فاتح شیخ الاسلامی بود. در دوران سربازی و بعد از آن در دبیرستان فرخی به تدریس مشغول بود و به تلاش وسیعی برای بالا بردن علم و دانش و آگاهی محصلین دست زد. برای دایر کردن آزمایشگاه دبیرستان و بعداً برای سازماندهی کلوبهای هنری، نقاشی، خطاطی و روزنامه نگاری که نتایج آن دایر کردن یک روزنامه دیواری بود. برای تاسیس کتابخانه دبیرستان و کتابخانه عمومی شهر تلاش زیادی نمود و موفق به دایر کردن آنها گردید. در سالهای بعد احمد مجلسی که اهل همدان بود بعد از پایان دوره دانشگاه در دوره سربازی به عنوان دبیر شیمی در دبیرستان فرخی مریوان تدریس می کرد. بعد از مدتی برای ما محصلین روشن شد که او فعال سیاسی مخالف رژیم شاه است. او با فاتح به آگاهی در بین محصلین مشغول شدند. در آن ایام ساواک در اوج قدرت بود و نسبت به فضای که در دبیرستان حاکم بود، حساسیت خاصی نشان میداد و تلاش میکرد رئیس دبیرستان ساواکی باشد و دبیران را تحت فشار قرار می داد که با آنها همکاری نمایند. رئیس دبیرستان می خواست به شکل پادگان ارتش و سربازخانه دبیرستان را اداره کند و همچنین به محصلین

جامعه کردستان است. به نظرم به روشنی باید پراتیکی از خود نشان دهیم که:

- حزب مستقیماً به عنوان پدیده اجتماعی و توحای در محلات، در مراکز کار و کارخانه و دانشگاه و مدارس، در میان کارگران، زنان و جوانان حضور دارد، نیرو بسیج میکند، اعتراض راه میاندازد، مردم را متحد میکند و با هر تکان و تحرک خود، جامعه را به تکان در میآورد.

- حزب پرچمدار "نه مردم" به جمهوری اسلامی و در هم تنیده با مبارزات جاری و در بخش عمده در راس اعتراضات جاری است.

- حزب متحد کننده و متشکل کننده و بر این اساس مبتکر بسیج توده‌ای و سازمانهای توده‌ای و ایجاد مجامع عمومی و شوراها و انواع و اقسام نهادها و کانونها و تشکلهای توده‌ای را دیکال است.

- حزب سازمانده نیروی نظامی قوی در شهر و به موقع خودش ابراز وجود نظامی جدی میکند.

خلاصه حزبی رهبر و هدایتگر توده مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و به نحوی کار کنیم، که مردم اطمینان حاصل کنند، دست در دست حزب کمونیست کارگری میتوانند رژیم اسلامی را بیاندازند و قدرت را در دست بگیرند.

از نظر من ناظر شدن چنین خط مشی، یعنی ترجمه عملی و کنکرت جهت‌گیریهای اساسی چون حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه و سازماندهی انقلاب که در دو کنگره اخیر در دستور کار حزب گذاشته‌ایم. به نظرم اگر حزب مختصاتی را که گفتم و پتانسیلهایی را که اشاره کردم، در خود به وجود آورد، به عنوان نیروی معادله قدرت در حالتهای مختلف سیاسی میتواند ابراز قدرت کند و خود را در موقعیت کنترل اوضاع و تعیین روز قیام و تعرض نهایی ببیند.

امیدوارم نشست چهارم شورای کادرها به سمت جوابگویی به این موضوعات اساسی دوره حاضر سوق یابد. طبعاً جوانب سیاسی و عملی دقیق‌تر این جهت‌گیری را و پلانترم و اقدامات و آرایش مناسب تشکیلات کردستان را در مباحث بعدی و جلسات کمیته کردستان منتخب تدوین میکنیم. □

دوره تعیین تکلیف جدال قدرت

(ادامه از صفحه ۳)

شهرهای کردستان را از کنترل رژیم خارج کنیم؟ به نظرم میتوانیم و باید برایش نقشه داشته باشیم. به اعتقاد من این تحولات قابل پیش‌بینی و قابل تحقیق‌اند و نقش حزب ما در ایجاد آنها بسیار مهم است. من در حال حاضر نقشه از پیشی در قبال هر یک از تحولاتی که اشاره کردم، ندارم. اما در قبال همه اینها یک موضوع را باید تضمین کنیم. اینکه در این تحولات و در این جایجایی قدرت، حزب کمونیست کارگری حرف اول را بزند. تشکیلات کردستان حزب در کردستان حرف اول را بزند. اگر این موضوع نقطه‌عزیمت ما باشد، آنوقت تغییرات اساسی در نقشه و کار کنونی‌مان لازم است. نقشه و پلانترم و آرایش جدیدی لازم است. به سهم خود در دستور جلسه سوم "موقعیت کمونیسم کارگری در کردستان و چشم‌انداز آتی کار" به آن میپردازم.

اما در یک تصویر کلی در ماههای آینده ما باید با اتکا به همین داده‌های تاکنونی، و با اتکا بر پراتیک سیاسی و اجتماعی متحولتر و گسترده‌تری که در دستور میگذاریم، کاری کنیم که جامعه این را احساس کند و بگوید که اینها میتوانند و تصمیم گرفته‌اند، دست رژیم را از سر مردم کوتاه کنند و اوضاع را کنترل کنند. در نتیجه یک تغییر ریل اساسی در کارمان لازم است.

چند روز قبل با مظفر محمدی و محمد فتاحی تبادل نظر میکردیم، که در دوره آتی باید چکار کنیم؟ بحث ما بر این نتیجه متمرکز شد که سه کار مهم است، - گسترش اجتماعی حزب و سازمان حزب، - ایجاد تشکلهای توده‌ای و گسترش سازمان قوی نظامی، بعداً فکر کردم، این نوع دستبندی هنوز کامل و دقیق نیست. بلکه آنچه محور است خود حزب و تبدیل آن به پدیده‌ای اجتماعی و توده‌ای است، که در عین حال مبتکر ایجاد تشکلهای توده‌ای و مبتکر سازمان نظامی قوی و به یک معنا حزب در راس آنها و به عنوان "مادر" همه عرصه‌ها و ابتکارات در جامعه عمل کند ما باید در ماههای آینده بتوانیم نشان دهیم که حزب ما یک پدیده اجتماعی و سیاسی دخیل، در همه شهرها و مناطق کلیدی

در آیدر سنندج، در دل شهرها، در میان کارگران، جوانان، زنان، و کل اینها در تشکیلات کردستان حزب تجسم پیدا کرده، در این دوره چه نقشی برای خود قائل است.

آنچه در مقابل این نشست قرار گرفته اینست، که در دل اوضاع پر تلاطم کنونی و با توجه به شرایط مساعد و متفاوت در کردستان کارهای متفاوتی که باید انجام دهیم چیست؟ به سادگی سؤال اینست در هفته‌ها و ماههای آینده، در ۶ ماه و یکسال آینده، برای تعیین تکلیف جدال قدرتی که به خیابانها کشیده شده، چکار میکنیم و ما چه اتفاقاتی را در این راستا ممکن میکنیم؟

طبعاً تصویری از روند اوضاع سیاسی داریم، و بویژه حزب ما در این رابطه تحلیلی و نظرات روشنی دارد. راستش من نمیخواهم بار دیگر اوضاع را تحلیل و بررسی کنیم، بلکه در این نشست میخواهم به مثابه حزب کمونیست کارگری و به عنوان نیروی فعاله شکل دادن به رونداوضاع، بر این مسئله فوکوس کنیم که روند اوضاع را به نفع انقلاب و مردم چگونه تغییر میدهیم؟

در این رابطه سؤالات گرهی مطرحند؟

- اینکه آیا در ۶ ماه و یکسال آینده ممکن است رژیم اسلامی سقوط کند؟ به نظرم ممکن است، بعضاً دست ما و بعضاً هم دست مانیست.

- آیا رژیم در کردستان زودتر سقوط میکند، به نظرم یک احتمال بسیار قوی است و نقش ما در ممکن کردنش بسیار تعیین کننده است.

- آیا حاکمیت رژیم میتونه آنقدر زیر سؤال رفته باشد، که در بعضی‌جاها و شهرها، حالت دوگانه و چندگانه قدرت به وجود بیاید، به نظرم ممکن است.

- آیا ممکنه آنقدر رژیم را در تنگنا قرار بدهیم که زندانیان سیاسی آزاد شوند؟ به نظرم ممکن است و اگر این اتفاق بیفتد یعنی تناسب قوای دیگر و روزهای پایان کار رژیم.

- آیا میتونه هفته پشت هفته، اعتراضات راه یافته و ما مبتکرش باشیم؟ به نظرم ممکن است.

- آیا در صورت تقابل نهایی جناح راست در مقابل جناح به حاشیه رانده شده دیگر، در صورت اعلام حکومت نظامی، میتوانیم

سکونت و کار و رفاه دارند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران از فراخوان فدراسیون سراسری پناهندگان در اعلام روز ۱۰ آوریل بعنوان روز اعتراض بین المللی علیه اخراج پناهندگان حمایت میکند و برای تقویت و گسترش هرچه بیشتر این کمپین در تمام کشورها تلاش خواهد کرد. ما تمام دوستان حزب و همه مردم شریف و آزاده را فرا میخوانیم که دوش به دوش "فدراسیون سراسری پناهندگان" فعالانه در این کمپین اعتراضی بین المللی شرکت کنند و از حقوق تخطی ناپذیر و انسانی پناهندگان قاطعانه دفاع کنند. دست در دست هم دهیم و طرح پارلمان هلند را به شکست کامل بکشانیم.

آزادی برابری
حکومت کارگری
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ مارس ۲۰۰۴

اخراج ۲۶ هزار پناهنده از هلند محکوم است

پناهندگان را به بهانه های مختلف به زیر تیغ همین جلادان و شکنجه گران میفرستد. این یک جنایت آشکار است که باید از جانب همه مردم انسان دوست پاسخی قاطع بگیرد. دولتهای بورژوازی هرگاه میخواهند زندگی و معاش توده مردم را مورد تهاجم قرار دهند، از تهاجم به پناهنده شروع میکنند. پناهنده از نظر آنها کسی است که از حقوق پایه ای انسانی برخوردار نیست و میتوان او را به کار ارزان واداشت و هنگام لزوم از حق زندگی و سکونت و حقوق پایه ای دیگر محروم کرد. این بازی با زندگی و حقوق انسانی توسط دولتها را نباید تحمل کرد. مردمی که از جهنم دیکتاتوریها فرار کرده اند، برابر با همه مردم دیگر حق زندگی و

به اعتراض بین المللی ۱۰ آوریل علیه دولت هلند بپیوندید

پارلمان هلند تصمیم گرفته است ۲۶ هزار پناهنده را از این کشور اخراج کند. اکثر این پناهندگان از حکومتهای سرکوبگر و ضد زن و مرتجعی چون حکومت اسلامی ایران یا از کشورهای چون عراق و افغانستان که صحنه جنگ و ترور و کشتار دستجات تروریستی است فرار کرده اند. دولت هلند همچون بسیاری دیگر از دولتهای بورژوازی غرب از یکسو با سرکوبگران مماشات میکند و آنها را مورد حمایت دیپلماتیک و اقتصادی و سیاسی قرار میدهد، و از سوی دیگر

مجلسی و کجائی عطا رستمی، و شما اکنون باید هرکدامتان جای یکی از این معلمین گذشته خود باشید که حتماً خیلی هایتان از محصلین آنها بوده اید. دانش آموزان مبارز و انقلابی! خواست معلمین خواست همه ما و کلیه اقشار جامعه است لازم است که نه تنها خودتان بطور قاطع از دبیبران و آموزگاران و معلمین خود حمایت و پشتیبانی کنید بلکه باید تلاش نمائید کلیه خانواده هایتان و بقیه مردم شهر و روستاها را به حمایت از این اعتصاب تشویق و ترغیب نمائید. تجارب گذشته ما اعتصاب و تظاهرات و تحصن ما نمونه ای است که باید شما آنرا در مبارزات خود بکار ببندید. شاید خیلی از شماها "جامعه معلمان مریوان" و کانون دانش آموزی دوران قبل از قیام و بعد از قیام را بیاد دارید که چگونه به رهبر مبارزات مردم شهر و روستاهای مریوان تبدیل شده بودند و به چنان مرجعی تبدیل شده بودند که مردم برای هر مشکل و حرکتی به آنها مراجعه می کردند و از این دو تشکل کمک و رهنمود می خواستند و دارای چنان وجهه و اعتباری شده بود که در شهر و روستاهای مریوان ورد زبان همه شده بود. که می گفتند فرهنگیان، محصلین و معلمین رژیم شاه را سرنگون کردند. باید برای پیشبرد هرچه بهتر مبارزاتتان در فکر تشکیل چنان تشکلهای و ایجاد اتحادهای در سطح وسیعتر از آن دوران باشید و تلاش کنید از تجارب این تشکلهای در آن دوران برای تسریع و پیشبرد مبارزاتتان استفاده نمائید. جا دارد یاد و خاطره کلیه معلمین و محصلینی را که در تشکیل چنین تشکلهایی در دوران قیام و قبل از آن نقش ایفا نمودند گرامی بداریم مخصوصاً جانبازان فعال در این عرصه ها: احمد مجلسی، عطا رستمی، حسین پیر خضری، محمد شهباز پناهی، علی کهنه پوشی، رشوف کهنه پوشی، احمد امیری، علی ناصر آبادی، امین و حسین مصطفی سلطانی، موسی شیخ الاسلامی، جلال نسیمی، عبدالله نودینیان و محمد امین شهابی که به همراه فعالین دیگر این عرصه در بر پائی این تشکلهای نقش پیشرو و برجسته ای داشتند، یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد. پیش بسوی بر پائی این تشکلها و مبارزه هرچه قاطعانه تر علیه رژیم سرتاپا جهل و جنایت اسلامی!

مارس ۲۰۰۴

به بهانه اعتصاب...

فرستادیم و یک روز اعتصاب نمودیم و به سر کلاس درس نرفتیم، روزی دیگر با تظاهرات به طرف اداره آموزش و پرورش حرکت کردیم، رئیس آموزش و پرورش می خواست جواب سربالائی بدهد و ما را تهدید کند. در مقابل این عمل او، ما اداره را اشغال نموده و متحصن شدیم. این اعتراضات و مبارزه در دوران اقتدار کامل ساواک درسالهای ۴۹ تا ۵۳ بود که حتماً خیلی ها داستانهای افسانه ای قدر قدرتی رژیم را در آن زمان که میگفتند دیوار موش دارد و موش گوش دارد را شنیده اند.

معلمین مبارز مریوان! شما در شرایطی دست به اعتصاب زده اید که چند روز پیش در شهر مریوان شاهد بودید چگونه جوانان و مردم مبارز این شهر کاندیداهای رژیم را فراری داده همه آتش و شکسته و به آتش کشیدند، همین چند روز پیش شاهد تظاهرات شجاعانه مردم کامیاران بودید و شنیدید که چه بلائی به سر رژیم آوردند و شاهد تظاهرات دهها هزار نفر جوانان و مردم مریوان در یکی دو روز پیش بودید که حتی مجسمه ای هم پائین کشیده شد و حتماً خیلی از شماها هم جزو این اعتراضات بوده اید. حتماً از سنج و دیگر شهرهای کردستان و بقیه نقاط ایران هم خبر دارید و بالاخره شما هم اکنون به اعتصابی پیوسته اید که در سرتاسر ایران در جریان است. بنابر این باید با عزم جزم و تصمیم قاطع تا رسیدن به کلیه خواستههایتان به اعتصاب و مبارزه خود ادامه دهید. مطمئن باشید از حمایت قاطع کلیه دانش آموزان و خانواده هایشان و همچنین دیگر اقشار مردم مریوان و جامعه ایران برخوردار خواهید شد. در میتینگ اعتراضی معلمین اعتصابی یزد وقتی استاندار خواست برای معلمین سخنرانی کند یکی از معلمین در میان جمعیت پیا خواست و با صدای رسا گفت شما خفه شو اگر میخواستی برایمان کاری بکنید تا حالا کرده بودید و همچنین با صدای بلند گفت کجائی خاتم بخش، کجائی طلائی پور! او داشت از معلمین سابق خودش حرف میزد که در مقابل ظلم ایستاده بودند) آیا لازم نیست کسی از میان شما بگوید کجائی فاتح شیخ الاسلامی، کجائی

به جنبش بی خدایی بپیوندید! با "بی خدایان" همکاری کنید! بی خدایان، آزاد اندیشان و قربانیان ادیان!

نشریه "بی خدایان" می کوشد سخنگوی جنبش ضد مذهبی باشد که حاکمیت خدا بر انسان را به نقد می کشد. جنبشی که اصالت انسان را در مقابل خدا قرار می دهد و خدا را از زندگی و مناسبات جامعه جارو می کند. ما می خواهیم در مقابل کلام و قانون خدا، کلام و قانون انسان را قرار دهیم. ما میگوئیم که دنیای مادی همین است که هست، که خدا و زندگی پس از مرگ وجود ندارد. ما پرچم دفاع از حرمت انسان را با دفاع از او در مقابل دین، اسلام و نیروی خرافات بلند میکنیم. از نظر ما عدم اعتقاد به خدا بمعنی اثبات زندگی، هدف و زیبایی است.

ما از شما و از کلیه فعالین مبارزه برای مذهب زدایی از جامعه ایران و از قربانیان ادیان که مایلند کیفرخواست خود را علیه آرای خداپرستانه و دینی اعلام کنند دعوت میکنیم که برای "بی خدایان" بنویسید، آن را به دیگران معرفی کنید و وسیعاً پخش کنید. با پیوستن به ما، جنبش بی خدایی را توسعه بدهید.

اعظم کم گوین azam_kamguian@yahoo.com
www.bikhodayan.com

**یک دنیای بهتر،
برنامه حزب کمونیست
کارگری را بخوانید!**

در حسرت اعاده سلطنت

در رابطه با انتشار خاطرات فرح پهلوی



رئوف افسائی

raoufafa@yahoo.com

و رویدادهای دوران انقلاب ۱۳۵۷ و نقش ارتش و ساواک و حکومت شاه می شود، خاطرات وی دیگر جنبه هنری و شیکپوشی ندارد و یکسره جنبه سیاسی پیدا می کند. او تلاش می کند تا بطور غیر واقعی و وارونه و در جهت تیره کردن رژیم سلطنتی شاه و دم دستگامهای سرکوبگرش مانند ارتش و ساواک و دستگاه فاسد اداری و فرهنگ و شخصیت کاذب در آن دوره به تبلیغات بپردازد.

فرح پهلوی در جواب سوال خبرنگار روزنامه تایمز که در رابطه با نقش ارتش شاه در وقایع خونین میدان ژاله تهران در شهریور ۱۳۵۶ می پرسد، چنین می گوید: "تیراندازی از سوی نظامیان نبود، بلکه انقلابیونی که لباس نظامی پوشیده بودند تیراندازی کردند و خونی که در عکسها نشان داده شد خون گوسفند بود و رسانه های گروهی که تحت نفوذ مخالفان حکومت بودند به این ماجرا دامن زدند"

همچنین فرح پهلوی در باره عملکردهای ساواک شاه به روزنامه تایمز چنین می گوید: "ساواک هم مانند تمام سازمانهای پلیس مخفی در سراسر جهان تلاش حفظ امنیت و ثبات کشور بوده و در دوران جنگ سرد ایران موقعیت حساس و ژئوپولیتیکی داشته است، شوروی در همسایگی ایران بود. سه بار به جان شاه سوقد شده بود. ایران زمانی مهد تمدن و مورد احترام جهانیان بود، اما اکنون مردم جهان ایرانیان را چون هیولاهای می بینند"

بسیار جالب است! به سخن آمدن مادر "وارث تاج و تخت" بعد از ۲۵ سال و یا بقول روزنامه تایمز "بعد از ۲۵ سال سکوت" و انتشار "خاطرات"ش به این شیوه دیگر باید مدیون جمهوری اسلامی باشند که با ۲۵ سال حکومت قرون وسطائی اشوسرکوبها و وحشیگریهایش علیه مردم ایران، کاری کرده که جنایات و سرکوبگریهای رژیم پهلوی در مقایسه با رژیم جمهوری اسلامی کم رنگ تر شود. مسلماً دلیل ۲۵ سال "سکوت"، "شهبانوی" سابق

همین بوده است. اما برای ما میلیونها انسان ایرانی که خود در رژیم شاه زندگی می کردیم و خود شاهد و شرکت کننده در انقلاب ۵۷ بودیم، تلاشهای "ملکه سابق" فرح پهلوی و توجیهاتش برای تیره کردن ارتش، ساواک، و

حکومت فاسد شاهنشاهی در ایران بیهوده خواهد بود.

ارتش شاه که تا دندان مسلح بود در میدان ژاله تهران در شهریور ۱۳۵۶ در روز روشن و در جلو چشمان هزاران تظاهر کننده و روزنامه نگاران و عکاسان داخلی و بین المللی و حضور تانکها در خیابانها به روی مردم ناراضی و عاصی از رژیم شاه آتش گشودند و مردم انقلابی را قتل عام کردند. اما فرح خانم بعد از ۲۵ سال از آنجا که در لوس آنجلس و در همسایگی هالیوود زندگی می کند، دست به ابتکار هالیوودی زده اند و با تصویر کردن یک فیلم سینمایی خیالی و با استفاده از لباس نظامی و خون گوسفند می کوشد که بار مسئولیت کشتار میدان ژاله را از دوش ارتش و رژیم محمد رضا شاه بردارد. شهبانوی شیک پوش، نمیخواهد بروی خود بیاورد که همان ساواک و ارتش شاهنشاهی، پس از کشتار میدان ژاله، تحت فرمان سران رژیم اسلامی وحشیانه تر و بی رحمانه تر، کشتار کردند و به نسل کشی دست زدند. دوست ندارد بگوید که همان ارتش در دفاع از تمامیت ارضی، کشتار کرد و بمباران کرد و هزاران نوجوان و کودک دبستانی را روی مین فرستاد، نمیخواهد اقرار کند که همین "یک مشت آخوند"، اساسا در کنف حمایت اعلیحضرت بودند و دستگاه سلطنت، "پادشاه اسلام" لقب داشت. نمیخواهد داستان اسلام پناهی پدر تاجدار و مذهب رسمی شیعه اثناعشری که حلقه واسط اسلام و سلطنت بود را به یاد کسی بیاورد.

شهبانوی آزردده ما میخواهد فراموش کند که همان رژیم شاه بیشترین امتیازات را به دستگاه متحجرین "آیات عظام" دادند، برایشان جیره و مواجب تعیین کردند و اجازه دادند زیر نظارت شهرداری و ساواک بساط چپاول و طفیلیگری را بر اوقاف و سهم امام و انواع باجگیریها پهن کنند. کم بودند کسانی که در محضر همین آیات عظامی که به مقام سران رژیم اسلامی پرتاب شدند، بسیاری غیر مسلمان و از جمله بهائی، "به دین مبین اسلام" مشرف میشدند؟ تلاش بیهوده برای اینکه نشان داده شود که گویا خیل مذهبیون و سران رژیم اسلامی، اپوزیسیون اصلی رژیم شاه بودند و تمام مبارزات مردم از همان آغاز رنگ مذهبی و اسلامی داشت، یک شگرد شهبانو و کل طیف راست طرفدار غرب و حتی بخش جدائی ناپذیری از سناریو آترناتیو سازی خود دولتهای غربی و در راس آن آمریکاست.

قبلا گفتم که فرح پهلوی و سلطنت طلبان با توجه به جنایات و فجایع بی شماری که جمهوری اسلامی علیه مردم ایران مرتکب شده اند، به خود جرئت داده اند که آشکارا از جنایتهای رژیم سرنگون شده شان توسط مردم، تحت نام "حفظ امنیت جامعه" دفاع یا توجیه کنند. اما شما با رژیم سرنگون شده تان متعلق به گذشته هستید و با اینگونه تلاشهای مظلومانه و

غیر واقعی نمی توانید برای رژیم منفور تان اعاده حیثیت بکنید. شما حق دارید برای آن دوران طلایی تان غصه بخورید و فیلم و سناریوی جعلی بسازید و آرزوی بازگشت به آن دوران را در سر بپرورانید. اما برای اکثریت قاطع مردم ایران، کارگران، زنان، جوانان، آزادیخواهان و روشنفکران مترقی چه آن زمان که علیه شاه قیام کردند و چه نسل امروز فرق چندانی ندارد، یا به عبارتی دیگر اکثریت قاطع مردم ایران در حکومت شما هیچی نداشتند تا برای آن غصه بخورند. مردم خواهان حرکت رو به جلو هستند. کارگر خواهان رفاه و تأمین اجتماعی و برابری اقتصادی است، زنان به عنوان نصف جمعیت خواهان برابری با مردان اند، جوانان خواهان زندگی شاد و آینده مطمئن اند، مردم بطور کلی خواهان حاکمیت بر سرنوش خود و وسیعترین رفاه و آزادیهای سیاسی و اجتماعی هستند، در یک کلام خواهان زندگی و دنیای بهتری اند. برای رسیدن به این هدفها قشرهای مختلف جامعه ایران و

در رأس آنها طبقه کارگر در طول ۲۵ سال حاکمیت خشن سرمایه داری جمهوری اسلامی یک دم از مبارزه و تلاش برای تغییر وضع موجود باز نیستاده اند. بر عکس ادعای فرح پهلوی جهانیان مترقی بخاطر همین مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران علیه رژیم اسلامی با دیده احترام و حس همبستگی به آنها نگاه می کنند.

شهبانو هم این نیروی عظیم را دیده است، اما به عبث تصور میکند که میشود مبارزه مردم را به نیروی ذخیره اعاده رژیم سلطنت و دستیابی ایشان به رویای کاخ نشینی تبدیل کرد. مردم ایران را نمیتوان با وجود یک حزب کمونیست کارگری که برنامه روشن و نفوذ اجتماعی وسیعی دارد از حاکم شدن بر مقدرات خود بازداشت. نمیتوان نتیجه مبارزات یک ربع قرن مردم ایران را برای بازگرداندن رژیمی که در یک قیام ساقط شده است، دودستی تقدیم دنیای رویاهای موهوم کرد. مردم در شوراهای خود متشکل خواهند شد و راه معامله و توطئه دیگری را بر انقلاب و مبارزه خود خواهند بست، سوسیالیسم و حکومت شورائی یک آترناتیو واقعی است. این منظره است که بیش از حسرت خوردنهای علیاحضرت فرح، نه تنها بخش سلطنت طلب بلکه مجموع طیفهای مدافع بردگی مزدی و سلطه سرمایه را هراسان کرده است.

شروع بکار مجدد تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹ الی ۹:۳۰ شب به وقت تهران

تلویزیون انترناسیونال، صدا و تصویر آزادی، سیمای برابری و انسانیت، صدا و تصویر سوسیالیسم است.

تلویزیون انترناسیونال تربیون حزب کمونیست کارگری ایران برای همه آزادیخواهان و برابری طلبان است.

برنامه های این تلویزیون هر شب ساعت ۹ تا ۹:۳۰ شب به وقت تهران از شبکه تلویزیونی کانال جدید پخش خواهد شد.

این برنامهها همزمان در اروپا نیز پخش میشود تلویزیون انترناسیونال بعلاوه از طریق شبکه اینترنت نیز بطور زنده قابل دسترس و در اختیار همگان قرار خواهد گرفت.

تلویزیون انترناسیونال را ببینید و دیدن آنرا به همه دوستان و آشنایان تان توصیه کنید. با ما همکاری کنید تا در مقابل انواع تلویزیون ها و رسانه های راست، صدا و سیمای حقیقت و انسانیت در ایران پخش شود.

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: Horizontal
www.rowzane.com
ایمیل:

wpitv@yahoo.co.uk تلفن: ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

مدیر تلویزیون انترناسیونال

آدر مدرسی